

آینده بشریت در کتاب مقدس، قرآن کریم و روایات

عباس نیکزاد*

چکیده.

بشارت به مصلح کل در آخرالزمان مسأله‌ای است که همه ادیان و مذاهب مختلف، آن را مطرح کرده و نوید به ظهور کسی داده‌اند که بشریت را از ظلم، ستم و نابرابری نجات خواهد داد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. نویسنده با استفاده از اوصافی که در کتاب مقدس درباره مصلح کل آمده و با توجه به آیات فراوانی از قرآن کریم که به آینده بشریت نظر دارد و سرانجام حکومت جهان را از آن بندگان صالح می‌داند و همچنین با توجه به روایات فراوانی از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام که نوید به ظهور مردی از اهل بیت پیامبر ﷺ داده و به نام مبارک او تصریح کرده، مانند حدیث پیامبر اکرم ﷺ: «المهدی من ولدی» نتیجه گیری می‌کند که به اعتقاد شیعه مصلح کل، مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری علیهما السلام است که در پس پرده غیبت به سر می‌برد و روزی که خدای متعال اراده نماید ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید، همانگونه که پر از ظلم و جور شده است. از این رو آینده بشریت، آینده‌ای کاملاً روشن و امیدوار کننده می‌باشد و آن این که آینده از آن صالحان است.

رواق اندیشه ۲۲

۵۹

آینده بشریت در کتاب
مقدس، قرآن کریم...

صبحدم بیک مسیحا دم جانان آمد گفت برخیز که آرام دم و جان آمد

اعتقاد به این که در آخر الزمان شخصیتی الهی و آسمانی، به عنوان منجی و مصلح کل خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، امنیت، صلح، صفا و انصاف را بر جهان حاکم خواهد نمود و طومار ظالمان، مستکبران، متجاوزان و مفسدان را درهم خواهد پیچید، اختصاص به شیعیان ندارد، بلکه در ادیان و مذاهب مختلف مطرح است. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

«در ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می‌کنند، مانند وثئیت، کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت و اسلام، از کسی که نجات دهنده بشریت است، سخن به میان آمده است و عموماً ظهور او را نوید داده‌اند. اگرچه در تطبیق، اختلاف دارند. و حدیث متفق علیه پیامبر اکرم ﷺ: «المهدی

* - مدرس حوزه و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی یابل، محقق و نویسنده.

من ولدی» یعنی: مهدی موعود از فرزندان من می‌باشد اشاره به همین معناست.^۱

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد:

«اندیشه پیروزی نهایی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل، ستیز و ظلم و گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزشهای انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل، و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالقدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی، با تفاوتها و اختلافهایی بدان مؤمن و معتقدند.»^۲

ما ابتدا به پاره‌ای از بشارتهایی که در این باره در کتاب مقدس (عهدین) آمده است اشاره می‌کنیم و سپس به همین موضوع از دیدگاه قرآن کریم و روایات اسلامی می‌پردازیم:

الف) «خداوند از زندگی افراد درستکار و امین مراقبت می‌کند. او به ایشان اثری فساد ناپذیر خواهد بخشید. اما بدکاران نابود خواهند شد و دشمنان خداوند همچون گل‌های وحشی زودگذر، پژمرده و فانی خواهند شد و مانند دود ناپدید خواهند گردید... خداوند انصاف را دوست دارد و عزیزان خود را ترک نمی‌کند، بلکه همیشه از آنها مراقبت می‌نماید. اما نسل شروران ریشه کن خواهد شد. نیکان و صالحان، دنیا را به ارث خواهند برد و تا ابد در آن سکونت خواهند نمود... خداوند نیکان را نجات خواهد داد... خداوند به کمک آنها خواهد شتافت و آنها را از چنگ بدکاران خواهد رهانید؛ زیرا به او پناه می‌برند.»^۳

ظاهراً این جملات از کتاب زبور داوود، همان است که قرآن کریم با اشاره به آن می‌فرماید:

«و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۴

یعنی: به تحقیق در زبور داوود - علاوه بر قرآن - این حقیقت را نگاشتیم که حتماً نیکان و صالحان زمین را به ارث می‌برند.

ب) «ای خدا احکام خود را به پادشاه و عدالت خویش را به پسر پادشاه عنایت کن. تا او قوم تو را به عدالت دآوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف. آنگاه در سراسر سرزمین ما سلامتی و عدالت برقرار خواهد شد، مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و

۱- محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام.

۲- مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی، انتشارات حکمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۸ ق، ص ۵.

۳- کتاب مقدس، زبور داوود، بخش مزامیر، مزمور ۳۷.

۴- انبیاء / ۱۰۵.

ظالمان را زبون خواهد ساخت. از تو خواهند ترسید مادامی که آفتاب باقی است و مادامی که ماه است. در زمان او صالحان خواهند شگفت، و فور سلامتی خواهد بود تا وقتی که ماه باشد. دامنه قلمرو او از دریا تا دریا و از نهر (فرات) تا دورترین نقطه جهان خواهد بود.

... جمیع سلاطین، او را تعظیم خواهند کرد و تمام امتهای او را بندگی و خدمتگزاری خواهند نمود. وقتی شخصی درمانده و فقیر از او کمک بخواهد او را خواهد رها کرد و بر افراد ضعیف و نیازمند رحم خواهد کرد و ضعیفان را نجات خواهد داد، آنها را از ظلم خواهد رها کرد؛ زیرا جان آنها برای او با ارزش است. او زنده و پایدار خواهد ماند ... قوم او پیوسته برای او دعا می‌کنند و او را متبارک خوانند. سرزمین او پر از غله شود و کوهستانها مانند کوه‌های لبنان حاصلخیز گردد، شهرهایی همچون مزرعه‌های پر علف، سرشار از جمعیت شود. نام او تا ابدالابد باقی خواهد ماند، و تا خورشید باقی است آوازه او پایدار بماند... متبارک باد نام مجید او تا ابدالابد. تمام دنیا از شکوه و جلال او پر شود. آمین! آمین!»^۱

برخی از یهودیان می‌گویند منظور از پادشاه، خود حضرت داوود و منظور از پادشاه‌زاده حضرت سلیمان است. و جماعت نصاری می‌گویند این مزمور در شأن حضرت عیسی است. ولی به نظر می‌رسد هر دو نظریه باطل است. اما بطالال نظریه یهود به این دلیل است که اولاً، حضرت داوود صاحب شریعت و احکام نبوده است تا از خدا بخواهد که احکام خود را به او عطا کند. ثانیاً، بسیار بعید است که حضرت داوود در مقام دعا که مقام خضوع و تذلل و خشوع است خود را به نام پادشاه بخواند. ثالثاً، به اعتقاد اهل کتاب و گواهی صریح کتاب مقدس دایره ملک و فرمانروایی حضرت سلیمان همانند پدرش داوود تنها اورشلیم بوده است.^۲ رابعاً، در عهد حضرت سلیمان، به تصریح کتاب مقدس، ظلم و شرک بکلی بر چیده نشد، بلکه کتاب مقدس صراحت دارد که خود حضرت سلیمان در آخر عمر دچار شرک و بت پرستی شد!^۳ خامساً، مدت ملک و فرمانروایی حضرت سلیمان به صراحت کتاب مقدس بیش از چهل سال ادامه پیدا نکرد. بنابراین هیچ یک از ویژگیهایی که در عبارت مزمور هفتاد و دو آمده است بر حضرت سلیمان قابل انطباق نیست.^۴

۱- زبور داود، مزمور ۷۲.

۲- کتاب مقدس، اول پادشاهان، باب ۱۱، آیه ۴۲.

۳- همان.

۴- همان.

اما بطلان نظریه مسیحیان به خاطر این است که اولاً، حضرت عیسی نه پدر داشت و نه پسر؛ بنابراین نمی‌توان عبارت کتاب مزامیر را بر او منطبق ساخت. ثانیاً، به اعتراف نصاری، حضرت عیسی حتی یک روز هم سلطنت و فرمانروایی نکرد. ثالثاً، به شهادت و صراحت کتاب مقدس حضرت عیسی خود صاحب احکام نبود بلکه او تابع حضرت موسی و تورات او بود.^۱

به نظر می‌رسد منظور از پادشاه که صاحب احکام است حضرت محمد ﷺ و منظور از پسر پادشاه که جهان را پر از عدل و داد می‌کند حضرت مهدی موعود (عج) باشد. حداقل این است که عبارت بالا بر عقیده مسلمانان و شیعیان انطباق بهتری دارد.

ج) «در حالی که این سرود را برای پادشاه می‌سراییم... تو از همه فرزندان آدم، زیباتری، بلاغت به لبهای تو ریخته است و از لبانت نعمت فیض می‌چکد، خداوند تو را تا ابد متبارک ساخته است. ای پادشاه مقتدر، شمشیر جلال و جبروت را بر کمرت ببند و شکوهمندانه بر اسب خویش سوار شو تا از حقیقت و عدالت و حلم و تواضع دفاع کنی، قدرتت پیروزی بزرگ را نصیب تو می‌گرداند. تیرهای تو نیز به قلب دشمنان فرو می‌روند و همه اقوام در برابر تو سقوط می‌کنند. خداوند تحت فرمانروایی تو را جاودان کرده است. تو با عدالت و انصاف سلطنت می‌کنی. عدالت را دوست داری و از شرارت بیزار می‌باشی. بنابراین خدایت تو را برگزیده و تو را بیش از هر کس دیگر شاد گردانیده است. تمام لباسهایت را از مژ و عود سلیخه (معطر) آمیخته است... ای پادشاه نام تو را در تمام نسلها شهرت خواهیم داد و همه مردم تا ابد سپاسگزار تو خواهند بود.»^۲

این اوصاف جز بر امام زمان (عج)، که در آینده، حکومت عدل جهانی را تشکیل خواهد داد صادق نیست.

د) در انجیل، حضرت عیسی برای قوم بنی‌اسرائیل تمثیلی را بیان کرده است؛ مضمون این تمثیل این است که صاحب تاکستانی، باغ خود را به دست چند باغبان سپرد و خود به مسافرت رفت و در موسم انگور چینی، مالک، چند نفر را نزد باغبانها فرستاد تا سهم خود را از آنها تحویل بگیرد ولی باغبانها به ایشان حمله کردند و آنها را کشتند، مالک مجدداً عده دیگری را فرستاد، باغبانها با این گروه نیز همان کار را کردند. بالاخره مالک، پسر خود را فرستاد، باز آنها به او حمله کردند و کشتند.

۱- کتاب مقدس، انجیل متی، باب ۵، آیه ۱۹-۱۷.

۲- مزامیر، مزمور ۴۵.

پس از این، حضرت عیسی از قوم خود می‌پرسد: «حال وقتی به نظر شما مالک باغ برگردد، با باغبانها چه خواهد کرد؟ گفتند: البته از آن بدکاران انتقام سختی خواهد گرفت؛ باغ را به باغبانهایی اجاره خواهد داد تا میوه‌هایش را در موسم چیدن به او تسلیم کنند. آنگاه عیسی از ایشان پرسید آیا شما هیچ گاه این آیه را در کتاب آسمانی نخوانده‌اید که: همان سنگی را که معمارها دور انداختند، همان سر زاویه (یا سنگ اصلی ساختمان) شد. این کار از جانب خداوند و در نظر ما عجیب است. منظورم این است که ملکوت خود را از شما (بنی اسرائیل) گرفته و به امتی خواهد داد (ظاهراً امت عرب که از نسل حضرت اسماعیل بودند بر خلاف بنی اسرائیل که از نسل حضرت اسحاق بودند) که میوه‌هایش را به او تسلیم کنند و سهم او را بدهند. اگر کسی روی این سنگ بیفتد تکه تکه خواهد شد و اگر این سنگ بر روی کسی بیفتد او را له خواهد کرد. چون کاهنان اعظم و سران مذهبی (یهود) متوجه شدند که عیسی درباره آنها سخن می‌گوید و منظورشان از باغبانان در این حکایت خود آنهاست تصمیم گرفتند او را بکشند...»^۱

با تأمل در این تمثیل روشن می‌شود که منظور از مالک باغ، خداست و منظور از باغ، دین و شریعت الهی است. منظور از باغبانان، یهود و بنی اسرائیل است. منظور از فرستادگان صاحب باغ که با حمله باغبانان کشته شدند، پیامبران بنی اسرائیل هستند. (به قول قرآن یکی از اوصاف زشت بنی اسرائیل پیامبرکشی بود). و مقصود از پسر مالک، حضرت عیسی است که به زعم مسیحیان او پسر خدا است. و مقصود از قوم دیگر که مالک، باغ را به آنها تحویل خواهد داد، قوم عرب می‌باشد که پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام از تبار آنها هستند، و مقصود از سنگی که معمارها او را دور انداختند ولی بعداً سنگ اصلی ساختمان شد - سنگی که هر کس بر روی آن بیفتند و یا سنگ بر روی او بیفتد له خواهد شد - ظاهراً امام زمان است؛ امامی که قرن‌ها به خاطر تهدید جباران و طاغوتیان بناچار از میان مردم غیبت کرد. شاهد بر این مدعا بخش دیگر کتاب مقدس است:

«همان سنگی که معماران نپسندیدند و دور انداختند، اینک مهمترین سنگ ساختمان شده است. این کار خداست چه کار شگفت‌انگیزی! امروز روز پیروزی خداوند است. باید جشن گرفت و شادی کرد. خداوند! تمنا می‌کنیم ما را نجات دهی و کامیاب سازی. برکت باد بر آن کس که به نام خداوند

می‌آید. ما از خانه خداوند تو را برکت می‌دهیم. خداوند همان خدایی است که ما را مَور ساخته است. شاخه‌ها را به دست گیرید و جشن را آغاز کنید و به سوی قربانگاه خدا پیش بروید...»^۱

برخی از مسیحیان می‌گویند مقصود از «سنگ دور انداخته» حضرت مسیح است که در آینده از آسمان فرود خواهد آمد. ولی این توجیه درست نیست؛ زیرا گوینده این سخن خود حضرت عیسی است و از حضرت عیسی در این داستان به پسر مالک که مورد قتل واقع شد تعبیر شده است و به کارگیری سنگ دور انداخته شده، پس از این واقعه مطرح شده است. از این گذشته وصفی که برای سنگ بیان گردیده (هر کس روی آن سنگ افتد شکسته می‌شود و هر کس که این سنگ روی او افتد له می‌شود) در مورد حضرت عیسی که به اتفاق همه مسیحیان و گواهی کتاب مقدس پیامبر رحمت و محبت بود صادق نیست.

در انجیل یوحنا از قول حضرت عیسی آمده است که: «من مثل نوری آمده‌ام تا در این دنیای تاریک بدرخشم... اگر کسی صدای مرا بشنود و اطاعت نکند، من از او بازخواست نخواهم کرد؛ زیرا من نه برای بازخواست، بلکه برای نجات جهان آمده‌ام.»^۲

ه) «خداوند می‌فرماید: این است خدمتگزار من که او را تقویت می‌کنم. این است برگزیده من که از او خشنودم. او را از روحم برخوایم ساخت تا عدالت و انصاف را برای اقوام جهان به ارمغان آورد. او آرام است و در کوچه‌ها فریاد نخواهد کرد او نی‌خرد شده را نخواهد شکست و شعله ضعیف را خاموش نخواهد کرد. عدل و انصاف واقعی را به اجرا در خواهد آورد. دلسرد و نومید نخواهد شد و عدالت را بر زمین استوار خواهد ساخت. مردم سرزمین‌های دور دست منتظرند تعالیم او را بشنوند. خداوند به خدمتگزار خود چنین می‌گوید: من که خدا هستم تو را خوانده‌ام و به تو قدرت داده‌ام تا عدالت را برقرار سازی. توسط تو با تمام اقوام جهان عهد می‌بندم و به وسیله تو به مردم دنیا نور می‌بخشم. تو چشمان کوران را باز خواهی کرد و آنان را که در زندانهای تاریک اسیرند آزاد خواهی ساخت ... خداوند همچون جنگ‌آوری توانا به میدان جنگ خواهد آمد و فریاد برآورده، دشمنان خود را شکست خواهد داد. مدت مدیدی است که او سکوت کرده است و جلوی خشم خود را گرفته است، اما دیگر ساکت نخواهد ماند.»^۳

۱- زبور داود، مزمور ۱۱۸، آیه ۲۷-۲۲.

۲- انجیل یوحنا، باب ۱۲، آیه ۴۷-۴۶.

۳- کتاب مقدس، کتاب اشعیا، باب ۴۲.

اوصاف مذکور در این عبارات جز بر امام زمان (عج) قابل انطباق نیست. بر خلاف ادعای مسیحیان که معتقدند این بشارت ناظر به حضرت مسیح است، عدم انطباق اوصاف مذکور بر حضرت عیسی مسیح روشن است؛ زیرا او نه اهل جنگ و جهاد بود (به زعم مسیحیان)؛ چون پیام او پیام محبت و صلح بود، و نه دشمنان خود را مغلوب ساخته است، و نه توانسته است عدل و انصاف را در زمین حاکم سازد، بلکه به گواهی کتاب مقدس خود به دست اشرار به صلیب کشیده و کشته شد. (و مسیحیان نیز همانگونه که گفتیم به آمدن منجی و مصلح نهایی در آخرالزمان عقیده دارند، اما منجی نهایی را حضرت مسیح می‌دانند، آنها معتقدند که حضرت مسیح سه روز پس از به صلیب کشیده شدن و دفن شدن از قبر برخاست به آسمان رفت و در آینده از آسمان فرود خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

«... بنابراین آماده و هوشیار باشید، مانند کسی که آماده هر اتفاقی است. منتظر بازگشت عیسی مسیح باشید؛ زیرا در آن روز، لطف و فیض عظیمی نصیب شما خواهد شد.»^۱

«همواره لباس بر تن، برای خدمت آماده باشید. مانند خدمتکارانی که منتظرند اربابشان از جشن عروسی باز گردد و حاضرند هر وقت که برسد و در بزند، در را به رویش باز کنند. خوشا به حال آن خدمتکارانی که وقتی اربابشان می‌آید بیدار باشند... خوشا به حال آن غلامانی که وقتی اربابشان می‌آید، خواه نیمه شب باشد، خواه سپیده دم... بنابراین شما نیز آماده باشید؛ زیرا من، - مسیح موعود - هنگامی باز خواهم گشت که کمتر انتظارش را دارید.»^۲

«اما سخنی نیز درباره بازگشت خداوند ما - عیسی مسیح - و جمع شدن ما به نزد او بگویم، گویا برخی می‌گویند که روز بازگشت او فرا رسیده است، برادران عزیز، خواهش می‌کنم از شنیدن اینگونه خبرهای نادرست، آرامش خود را از دست ندهید... بدانید که تا این دو رویداد واقع نشود آن روز نخواهد آمد. نخست، شورشی بر ضد خدا برپا خواهد شد. دوم آن مرد جهنمی که عامل این شورش است ظهور خواهد کرد، او با هر چه که مربوط به دین و خداست مخالفت خواهد کرد... اما خداوند ما - عیسی - به هنگام بازگشت خود، او را با نفس دهان خویش هلاک کرد و با حضور خود نابود خواهد کرد. این مرد خبیث به وسیله «قدرت شیطان» ظهور خواهد کرد و آلت دست او خواهد بود. او

۱- کتاب مقدس، نامه اول پطرس، باب ۱، آیه ۱۳.

۲- انجیل لوقا، باب ۱۲، آیه ۴۰-۳۵.

با کارهای عجیب و حیرت انگیز خود همه را فریب خواهد داد. آنانی که فریب او را می‌خورند آنانی هستند که راه راست را رها کرده و راه جهنم را در پیش گرفته‌اند...»^۱

ما نیز بر اساس روایات متعدد به این امر عقیده داریم که حضرت مسیح در آخر الزمان به هنگام ظهور امام زمان نزول خواهد کرد و پشت سر امام زمان به جماعت نماز خواهد خواند و در رکاب او در بسط عدل و حق، کوشش خواهد کرد.

ز) خداوند می‌فرماید، روزی خواهد آمد که هر کس بخواهد برکتی بطلبد یا سوگندی یاد کند تنها نام خدای حق را بر زبان خواهد راند. سختی‌های گذشته به کلی فراموش شده و از بین خواهد رفت؛ زیرا من زمین جدیدی می‌سازم. هر چه در گذشته بوده کاملاً فراموش شده و دیگر به یاد آورده نخواهد شد... نوزادان، دیگر در سن کم نخواهند مرد و صد سالگان، جوان محسوب خواهند شد. تنها کسانی پیش از وقت خواهند مرد که گناه می‌کنند و زیر لعن هستند. در آن روزها، هر که خانه‌ای بسازد، خود در آن ساکن خواهد شد. هر که باغ انگوری غرس کند خود از میوه آن خواهد خورد؛ زیرا دیگر، خانه‌ها و باغهای انگور قوم من به دست دشمن نخواهد افتاد. ایشان مانند درختان، عمر طولانی خواهند کرد و از دسترنج خود بهره‌مند خواهند شد و لذت خواهند برد و دیگر زحمتهایشان بر باد نخواهد رفت و فرزندانشان رنگ مصیبت را نخواهند دید؛ زیرا هم آنان را و هم فرزندانشان را برکت خواهم داد. حتی پیش از آن که مرا بخوانند جواب خواهم داد. گرگ و بره با هم خواهند چرید، شیر مانند گاو گاه خواهد خورد و مار دیگر کسی را نیش نخواهد زد.»^۲

ح) «صبر کنید به زودی وقتش می‌رسد که بر ضد اقوام شرور به پاخیزم؛ زیرا تصمیم گرفته‌ام ملل جهان را جمع کنم و خشم و غضب خود را بر آنها فرو ریزم. تمام جهان از آتش غیرت من گداخته خواهد شد. آنگاه به همه مردم جهان، زبان پاک خواهم داد تا همه آنها نام مرا بخوانند و تنها مرا عبادت کنند... در آن زمان دیگر از یاغی‌گری‌های گذشته خود شرم‌منده نخواهید شد؛ زیرا اشخاص متکبر را از میان شما برمی‌دارم و کسانی که باقی بمانند متواضع و فروتن خواهند بود و به نام من توکل خواهند نمود. آنها دیگر ظالم و حقه‌باز و دورگو نخواهند بود، در آرامش و امنیت به سر خواهند برد و هیچ کس آنها را نخواهد ترسانید...»^۳

۱- کتاب مقدس، نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیکي، باب ۲.

۲- کتاب اشعیا، باب ۶۵، آیه ۲۵-۱۶.

۳- کتاب مقدس، کتاب صفیا، باب ۱۳، آیه ۱۳-۸.

ط) «هنگامی که پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش بیاید آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند به گونه‌ای که شبان گوسفندان را از بزها جدا می‌کنند...»^۱

آینده بشریت از نگاه قرآن کریم

در قرآن کریم آیات فراوانی می‌توان یافت که به گونه‌ای به آینده بشریت نظر دارد و ما در اینجا به پاره‌ای از آنها می‌پردازیم:

الف: «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الأرض یرثها عبادی الصالحون»^۲

یعنی: به تحقیق در زبور بعد از ذکر چنین نوشتیم که سرانجام، بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

منظور از ارض در این آیه، مجموع کره زمین است و منظور از زبور، کتاب داوود پیامبر و منظور از ذکر، تورات (به نظر برخی از مفسرین) است. از این آیه کریمه استفاده می‌شود که قدرت و حکومت در آینده بشریت در سراسر کره زمین به دست بندگان صالح و شایسته خدا خواهد بود. طبق پاره‌ای از روایات هم، این آیه به دولت حضرت مهدی (عج) و یاران او تطبیق داده شده است.

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید:

منظور از وراثت زمین، این است که تسلط بر منافع زمین به آنها انتقال خواهد یافت و به برکات

دنیوی - بهره‌مندی درست نسبت به کالاها و زینت‌های زمین - و برکات اخروی - یعنی رسیدن به

مقامات قرب الهی - دست خواهند یافت.^۳

کلمه «صالحون»، معنای گسترده و وسیعی دارد که علاوه بر ایمان، بر همه شایستگیها دلالت دارد، شایستگی از نظر عقیده، عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، تدبیر و مدیریت اجتماعی، سیاسی و ...
ب: «قال موسی لقرمه استعینوا بالله و اصبروا ان الأرض لله یرثها من یشاء من عباده و

العاقبة للمتین»^۴

۱- انجیل متی، باب ۲۵، آیه ۳۴-۳۱.

۲- انبیاء/ ۱۰۵.

۳- محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ج ۱۴،

صص ۴۴۵-۴۶۶.

۴- اعراف/ ۱۲۸.

یعنی: موسی به قوم خود گفت: از خداوند یاری بجوئید و استقامت و پایداری پیشه کنید، بدرستی که زمین از آن خداست و به هر کس از بندگان بخواید آن را منتقل می‌سازد و عاقبت و فرجام به نفع اهل تقوا و پرهیزکاران است.

از این آیه نیز استفاده می‌شود که ولایت و حکومت بر زمین، در نهایت از جانب خداوند به اهل تقوا و پرهیزکاری خواهد رسید؛ یعنی کارگزاران حکومت در جامعه نهایی، بندگان خدا ترس خواهند بود. علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید:

چنین چیزی مقتضای سنت لایتغیر الهی است؛ زیرا خداوند نظام تکوین را به گونه‌ای نظم بخشید که هر نوعی از انواع موجودات به عنایت و کمال وجودش و سعادت‌ی که برای آن خلق شده‌اند می‌رسند. انسان نیز یکی از انواع موجودات این عالم است. اگر این انسان بر همان صراطی که فطرت برای او ترسیم کرده حرکت کند یقیناً خداوند او را به عاقبت نیکویش خواهد رساند و حیات طیبه را ارزانی او خواهد نمود.^۱

ج) «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»^۲

یعنی: او (خدا) کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمام ادیان جهان پیروز گرداند هر چند مشرکان را خوشایند نباشد.

آیه پیش از این آیه می‌فرماید: اینها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خداوند جز این نمی‌خواهد که این نور الهی را همچنان گسترده‌تر و کاملتر سازد (تا همه جهان را فرا گیرد و جهانیان از پرتو آن بهره‌مند گردند) هر چند کافران را خوشایند نباشد.

می‌دانیم که این وعده قطعی و مؤکد الهی هنوز محقق نشده است. قهراً در آینده تاریخ محقق خواهد شد.

از این آیه نیز یکی دیگر از ویژگیهای مهم حکومت جهانی مهدی موعود استفاده می‌شود و آن حاکمیت دین خدا بر سراسر گیتی است. در آن زمان دین اسلام که دین رسول اکرم ﷺ می‌باشد بر ادیان عالم غالب خواهد شد و حاکمیت بر اساس دین اسلام خواهد بود.

این آیه که عیناً و با همین الفاظ در سوره «صف» آیه ۹ آمده است و با تفاوت مختصری در سوره «فتح» آیه بیست و هشت تکرار شده، خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیتی موجب این

۱- محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۸، ص ۲۸۷.

۲- توبه/۳۳؛ صف/۹.

تکرار شده است. خبر از جهانی شدن اسلام و عالم‌گیر گشتن این آیین می‌دهد؛ زیرا مفهوم آیه، پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان می‌باشد و معنای این سخن آن است که سرانجام اسلام، همه کره زمین را فرا خواهد گرفت و بر همه جهان پیروز خواهد شد. از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل شده است:

«به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که «قائم» خروج کند و هنگامی که او قیام کند در تمام جهان کسی که خدا را انکار کند باقی نخواهد ماند.»

و نیز از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است:

«و عده‌ای که در این آیه آمده است به هنگام ظهور مهدی از آل محمد علیهم السلام صورت می‌پذیرد، در

آن روز هیچ‌کس روی زمین نخواهد بود مگر این که اقرار به حقانیت محمد صلی الله علیه و آله می‌کند.»^۱

د) «و نريد ان نمّ على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين»^۲

یعنی: ما می‌خواهیم بر آنان که در زمین مستضعف واقع شده‌اند منت نهیم (آنها را مشمول مواهب خود نماییم) و آنها را پیشوایان قرار دهیم و وارثان زمین گردانیم.

هر چند از صدر و ذیل این آیه فهمیده می‌شود که در مورد بنی اسرائیل، قوم موسی و پیروزی آنها بر فرعون است، اما همانگونه که روایات ما دلالت دارند اختصاص به این قضیه ندارد بلکه سنت و اراده حتمیه خداوند را برای همیشه نشان می‌دهد. نمونه دیگر آن، حکومت پیامبر اسلام و یارانش بعد از ظهور اسلام بر مشرکان و کفار می‌باشد. نمونه کاملتر آن، ظهور حکومت حق، عدل، پیروزی مظلومان و مستضعفان بر ضد ظالمان و مستکبران در تمام کره زمین در زمان حضرت مهدی موعود (عج) است.

از این آیه استفاده می‌شود که مظلومان و محرومان در دولت کریمه آخرالزمان به حاکمیت خواهند رسید. و مستکبران بهره‌ای در آن زمان نخواهند داشت. البته با عنایت به آیات دیگر باید گفت هر مظلوم و محرومی، منظور قرآن نیست، بلکه مظلومان و محرومانی در دولت نهایی با اراده خدا به حاکمیت خواهند رسید که از اهل تقوا، صالحان و مؤمنان باشند.^۳

ه) «و عدالله الّذين آمنو منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفدهم، ۱۳۷۴، ج ۷، صص ۲۷۲-۲۷۳.

۲- قصص/۵.

۳- برای بحث تفصیلی آن رجوع کنید: شهید مطهری، جامعه و تاریخ.

الذین من قبلهم و لیمكنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیلدلتهم من بعد خوفهم امناً
یعبدوننی لایشركون بی شیئاً»^۱

یعنی: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد آنها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد - همانگونه که پیشینیان را خلافت بخشید - و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده است، به طور ریشه‌دار و پابرجا در صحنه زمین مستقر سازد و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل کند (آنچنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من قرار نمی‌دهند. خداوند بر اساس این آیه به مؤمنان صالح وعده‌های متعددی را با تأکید فراوان داده است. یکی این که، آنها را خلیفه روی زمین خواهد کرد و حکومت تمام جهان را در اختیار آنها خواهد نهاد. دوم این که، دین اسلام را به طور ریشه‌دار و اساسی بر روی زمین پیاده خواهد کرد. سوم این که همه اسباب خوف و ناامنی برای مؤمنان و صالحان از بین خواهد رفت، امنیت و آسایش کامل برای آنها محقق خواهد شد. چهارم این که، - از همه مهم‌تر - در سراسر زمین تنها خداوند مورد پرستش واقع می‌شود و هرگونه شرکی به کلی از صفحه روزگار محو خواهد شد.

شهید مطهری درباره جمله آخر این آیه (مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند) می‌فرماید:
«جمله آخر این آیه که ناظر به این است که آنگاه که حکومت حق و خلافت الهی برقرار می‌شود، اهل ایمان از قید اطاعت هر جباری آزاد می‌شوند... از این آیه معلوم می‌شود که از نظر قرآن هر اطاعت امری، عبادت است. اگر برای خدا باشد اطاعت خداست و اگر برای غیر خدا باشد شرک به خداست. این جمله عجیب است که فرامات‌داریهای اجباری که از نظر اخلاقی به هیچ وجه عبادت شمرده نمی‌شود از نظر اجتماعی عبادت شمرده می‌شود.»^۲

علامه طباطبایی در میزان در ذیل این آیه می‌فرماید:

این مجتمع طیب و طاهر با این ویژگیهای ارزشمند و صفات فضیله هنوز که هنوز است از زمان بعثت پیامبر اکرم تا به امروز محقق نشده است. و اگر بر جامعه‌ای منطبق شود حتماً بر زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام با عنایت به ویژگیهایی که در اخبار و احادیث نبوی و اهل بیت او در مورد آن آمده است، منطبق خواهد بود... پس حق این است که اگر بخواهیم این آیه را به درستی معنا کنیم و حق آن را ادا کنیم جز با جامعه آرمانی‌ای که با ظهور حضرت مهدی (عج) منعقد می‌شود منطبق نخواهد شد...^۳

۱- نور / ۵۵.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳- محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۱۵، صص ۱۵۶-۱۵۵.

به نظر اینجانب بهترین آیه‌ای که می‌توان در مورد جامعهٔ آرمانی امام زمان به آن استناد کرد و بیشترین ویژگیها را در این مورد دربر دارد همین آیه است.

(و) «ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون و انّ جندنا لهم الغالبون»^۱
یعنی: وعدهٔ قطعی ما برای بندگان فرستادهٔ ما از پیش مسلم شده که آنان یاری شدگانند و لشکر ما پیروزند.

منظور از «کلمه» در این آیه، همان حکم و قضای الهی است. خداوند با تأکیده‌های فراوان به عنوان یک حکم و قضای قطعی و از پیش تعیین شدهٔ الهی به پیروزی اهل حق بر اهل باطل اشاره می‌کند و با توجه به اطلاقی که از این آیه فهمیده می‌شود نمی‌توان این حکم را مختص به عالم آخرت دانست. بنابراین، قضای حتمی الهی این است که هم در دنیا و هم در آخرت خداوند به نفع هواداران خود وارد صحنه خواهد شد و آنها را بر نیروهای باطل پیروز خواهد ساخت.^۲ همین معنا و مضمون را می‌توان از آیات فراوانی که تأکید بر پیروزی حق بر باطل و این که باطل نابود شدنی است، استفاده کرد. مثلاً از آیات هفده و هجده سورهٔ انبیا فهمیده می‌شود که فلسفهٔ آفرینش و سنت الهی در نظام هستی بر کوبیدن حق بر پیکر باطل و نابود ساختن آن می‌باشد. و یا در آیهٔ هفده سورهٔ رعد، باطل را به کف روی آب که جولانگری موقت و زودگذر دارد و حق را به آب مفید و منفعت‌بخشی که در زیر کف قرار دارد و پس از زوال جولانگری کف روی آن، خودنمایی می‌کند و ماندنی است تشبیه می‌کند؛ و یا در آیهٔ پنجاه و یک سورهٔ غافر به صراحت و تأکید بر پیروزی پیامبران و مؤمنان هم در دنیا و هم در آخرت اشاره می‌فرماید.

(ز) «فأقم وجهك للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم...»^۳

یعنی: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است دین و آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند. از این آیه استفاده می‌شود که دین خدا مقتضای فطرت سالم انسانی است؛ فطرتی که در آن تغییر و دگرگونی راه ندارد.

۱- صافات / ۱۷۳-۱۷۱.

۲- محمدحسین طباطبایی، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۸۷.

۳- روم / ۳۰.

دینی که بر اساس فطرت است، دینی استوار و پا برجای خواهد بود. با توجه به این که بر اساس مبانی مسلم فلسفی و عقلی، انحراف آفرینش از مسیر طبیعت و فطرت به نحو دائم معقول و ممکن نیست، ثابت خواهد شد که بشریت روزی به مقتضای فطرت خود برخواهد گشت و به حاکمیت دین الهی تن خواهد داد.

علّامه طباطبایی در بحثی تحت عنوان «دین حق در نهایت امر پیروز است» می‌فرماید:

نوع انسان به حکم فطرتی که در او به ودیعه نهاده شده است، طالب کمال و سعادت حقیقت خود؛ یعنی استیلا بر عالیترین مراتب زندگی مادی و معنوی به صورت اجتماعی می‌باشد و روزی به آن خواهد رسید، اسلام که دین توحید است برنامه چنین سعادت است. انحرافات که در طی پیمودن این راه طولانی نصیب انسان می‌گردد نباید به حساب بطلان فطرت انسانی و مرگ آن گذاشته شود. همواره حاکم اصلی بر انسان همان حکم فطرت است و بس. انحرافات و اشتباهات از نوع خطای در تطبیق است. آن غایت و کمالی که انسان به حکم فطرت بی‌قرار کمال جوی خود آن را جستجو می‌کند روزی - دیر یا زود - به آن خواهد رسید. آیات ۳۰ الی ۴۱ سوره روم همین معنا را می‌رساند که حکم فطرت در نهایت امر، تخلف‌ناپذیر است و انسان پس از یک سلسله چپ و راست رفتن‌ها و تجربه‌ها راه خویش را می‌یابد و آن را رها نمی‌کند. به سخن آن عده نباید گوش فرا داد که اسلام همانند یک مرحله از فرهنگ بشری که رسالت خود را انجام داده و به تاریخ تعلق دارد، می‌نگرند. اسلام به آن معنی که می‌شناسیم عبارت است از انسان در کمال نهایی خویش که به ضرورت ناموس خلقت روزی به آن خواهد رسید!

شایسته است در این باره سخن زیبایی را از شهید مطهری نقل کنیم:

«آیا این فرهنگها و تمدنها و این جامعه‌ها و ملیتها برای همیشه به وضع موجود ادامه می‌دهند یا حرکت انسانیت به سوی تمدن و فرهنگ یگانه و جامعه یگانه است و همه آنها رنگ خاص خود را خواهند باخت و به یک رنگ که رنگ اصلی است و رنگ انسانیت است در خواهند آمد؟... بدیهی است بنا بر نظریه اصالت فطرت و این که وجود اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی او و بالآخره روح جمعی جامعه، وسیله‌ای است که فطرت نوعی انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است، باید گفت جامعه‌ها و تمدنها و فرهنگها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن، همه ارزشهای امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و

سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید. از نظر قرآن این مطلب مسلم است که حکومت نهایی، حکومت حق، [و] نابود شدن یکسره باطل است و عاقبت از آن تقوا و متقیان است.^۱

آینده بشریت از نگاه روایات

در مورد آینده بشریت روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار نقل شده است که ذکر همه آنها هرگز در حوصله این مقاله نمی‌گنجد ما در اینجا با گزینش، برخی از آنها را می‌آوریم:

(الف) در روایات متعددی شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند:

«لو لم یبق من الدهر الا یوم واحد لظول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من امتی و من اهل بیتی یواطئ اسمہ اسمی یملا الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً.»^۲

یعنی: اگر باقی نمانده باشد از عمر دنیا جز یک روز، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا این که مردی از امت و خاندان مرا که همانام من باشد مبعوث کند تا زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که از ظلم و جور پر شده بود.

روایاتی که به این مضمون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است فوق حدّ تواتر می‌باشد. این روایات یکی از مهمترین ویژگیهای حکومت آینده را حاکمیت عدل کامل و برجیده شدن بساط ظلم و جور و تبعیض در زمین می‌دانند.

(ب) از امام سجّاد روایت شده است که:

«اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شیعتنا العاهة و جعل قلوبهم کزبر الحدید و جعل قوّة الرجل منهم قوّة اربعین رجلاً و یكونون حکام الارض و سنامها.»^۳

یعنی: وقتی قائم ما قیام کند خداوند عیب و آفت را از شیعیان ما بر طرف کند و دل‌های آنان را چون پاره‌های پولاد سازد و به هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد را بدهد و آنان حاکمان و سروران زمین خواهند بود.

از این روایت استفاده می‌شود که اولاً، شیعیان بر روی زمین حاکمیت پیدا خواهند کرد؛ ثانیاً، یاران امام زمان از قوت و قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهند بود. این قدرت و قوت هم می‌تواند ناشی از ایمان، توکل و اراده آنها و هم ناشی از ابزار و امکاناتی باشد که در اختیار آنهاست.

۱- مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ، انتشارات صدرا، ص ۴۵، ۴۶.

۲- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

۳- شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۵۴۱؛ علامه مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

ج) از امام صادق منقول است:

«اذ قام القائم جاء بأمر جديد كما دعا رسول الله في بدو الأسلام الى امر جديد.»^۱

یعنی: چون قائم قیام کند امری جدید می‌آورد چنان که رسول خدا در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد. روایات دیگری مشابه این روایت نیز نقل شده است. منظور این نیست که حضرت مهدی دین جدید و یا کتاب جدید می‌آورد بلکه منظور این است که چون در طول زمان، حقیقت اسلام و آموزه‌های اسلامی به دست فراموشی سپرده می‌شود، یا دچار تحریف، بدعت، کاهش و افزایش می‌گردد، وقتی حقیقت معارف و احکام اسلام برای مردم بازگو می‌شود می‌پندارند که امام زمان (عج) دین و کتاب جدیدی آورده است. شاهد بر این معنا روایاتی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

امام صادق عليه السلام درباره حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

همانگونه که رسول خدا صلى الله عليه وآله عمل کرد، عمل می‌کند، آنچه را پیش از او بوده است نابود می‌سازد، همانگونه که رسول خدا صلى الله عليه وآله جاهلیت را نابود کرد، و اسلام را از نو می‌آورد.^۲

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله در مورد حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

سیره و سنت او، سیره و سنت من است، مردم را بر دین و آیین من راست خواهد کرد و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می‌کند.^۳

د) امام صادق عليه السلام درباره حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

هنگامی که قائم قیام کند به عدل حکم نماید و در روزگار او ظلم و بیداد یکسره نابود گردد و راهها امن شود و زمین برکات خود را آشکار سازد و هر حقی به صاحبش برگردانده شود و هیچ پیرو دینی نماند مگر آن که به اسلام در آید... او در میان مردم به روش داود عليه السلام و محمد صلى الله عليه وآله حکم کند. آن هنگام زمین گنجهای خود را آشکار سازد و برکاتش را ابراز دارد و همگان چنان بی‌نیاز شوند که چون کسی بخواهد صدقه‌ای دهد مستحقی نیابد چون غنا و توانگری همه مؤمنان را در برگیرد.^۴

در این روایات به چند ویژگی از ویژگیهای جامعه و حکومت آینده بشریت مانند گسترش عدل، امنیت راهها، جهانی شدن اسلام، وفور برکات، رفاه اقتصادی و ریشه‌کن شدن فقر اشاره شده است. (ه) امیرمؤمنان در توصیف دولت حضرت مهدی موعود (عج) می‌فرماید:

۱- شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۳.

۲- علامه مجلسی، پیشین، ج ۵۲، صص ۳۵۳-۳۵۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۴- شیخ مفید، پیشین، صص ۳۴۴-۳۴۳؛ علامه مجلسی، پیشین، صص ۳۳۹-۳۳۸.

بدی از میان می‌رود و نیکی برقرار می‌گردد و زنا از بین می‌رود و ربا محو می‌شود و مردم به عبادات شرع و دینداری و نماز با جماعت روی می‌آورند و عمرها طولانی می‌گردد و امانتها ادا می‌شود و درختان پربار می‌شوند و برکتها چندبرابر می‌گردد و بدان نابود می‌شوند و نیکان برقرار می‌مانند.^۱

و) امام صادق علیه السلام از قول امام علی علیه السلام نقل می‌فرمایند:

روزی که قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت ببارد و زمین گیاه خود را برویاند و کینه‌ها از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز نمایند، تا آنجا که زنی از عراق تا شام را بیماید و جز بر سبزه زار گام نگذارد و زینت خود را همراه داشته باشد و هیچ درنده‌ای او را آشفته نسازد و او از هیچ چیز نهراسد.^۲

ز) امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

تمام اموال زمین، آنچه در دل زمین و آنچه بر روی زمین است - نزد مهدی (عج) گرد آید. آنگاه او به مردم گوید: بیایید و این اموال را بگیرید. اینها همان چیزهایی است که به خاطرش قطع رحم کردید و خونها به ناحق ریختید و مرتکب گناهان شدید. او دست به بخشش زند و آنقدر ببخشد که تا آن روز کسی چنین بخششی نکرده باشد و زمین را لبریز از عدالت و داد و نور گرداند همانگونه که از ستم و بیداد و ستر لبریز شده بود.^۳

ح) رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

در آن زمان امت من از چنان نعمتی برخوردار شوند که هرگز امتی آنچنان از نعمت برخوردار نبوده است. زمین یکسره محصول دهد و هیچ چیز از آنان دریغ ندارد و اموال انبوه شود. هر کس نزد مهدی (عج) آید و بگوید، به من مالی بده، مهدی بی‌درنگ می‌گوید، بگیر.^۴

ط) امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

دولت مهدی شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت و در سرتاسر جهان، جای ویرانی باقی نخواهد ماند مگر آن که آن را آباد خواهد ساخت.^۵

ی) امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

چون قائم ما قیام کند دست خود را روی سر بندگان می‌گذارد (دست تریبی خود را) و بدین ترتیب عقول مردم را به کمال می‌رساند و اخلاقشان را کامل می‌گرداند.^۶

۱- لطف‌الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ص ۴۷۴.

۲- شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۶۴۲.

۳- علامه مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۰۹؛ غیبة النعمانی، صص ۲۳۸-۲۳۷.

۴- کشف الغممه، ج ۲، ص ۴۷۸؛ علامه مجلسی، پیشین، ج ۵۱، ص ۸۸.

۵- لطف‌الله صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۱۴۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۶- علامه مجلسی، پیشین، ص ۳۳۶.

ک) امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

در دولت مهدی (عج) به همه مردم علم و حکمت می‌آموزند تا آنجا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت کنند.^۱

ل) علم و دانش بیست و هفت حرف است و تمام آنچه پیامبران برای مردم آورده‌اند دو حرف بیش نبوده است و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار سازد.^۲

م) امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند چندان نیرو به گوش و چشم شیعیان ما می‌دهد که میان آنان و قائم قاصدی نخواهد بود قائم با آنان سخن می‌گوید و ایشان نیز صدای او را همانجا که هست می‌شنوند و به او نگاه می‌کنند.^۳

از مجموع این روایات استفاده می‌شود، علاوه بر توسعه عدل، حق و گسترش دین، در دولت کریمه امام زمان (عج)، گسترش و توسعه اقتصادی، علمی، سیاسی و اخلاقی نیز ایجاد می‌شود. باید دانست که اعتقاد به ظهور مهدی موعود در آخرالزمان و گسترش عدل و داد در جهان با دست مبارک او، اختصاص به مذهب تشیع ندارد، بلکه این یک مسأله اسلامی است. خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی بنابر مدارک و روایات فراوان اهل سنت بارها آمدن حضرت مهدی را و این که او از اولاد علی و فاطمه و امام حسین و پدرش امام حسن عسکری است و قیام نهایی دین و برقراری عدالت جهانی به دست او می‌باشد را مژده داده و گوشزد کرده است. علمای اهل سنت در بیش از دویست کتاب از کتابهای معتبر خود، مناقب حضرت مهدی (عج) و مسائل مربوط به او و چگونگی ظهور، شرایط و علائم نزدیک یا مقارن ظهور او را ذکر کرده‌اند و بیش از سیصد کتاب ویژه درباره حضرت مهدی (عج) تألیف کرده‌اند.^۴ و در قرآن کریم نیز آیاتی است که حتی مفسران اهل سنت آن آیات را مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) دانسته‌اند.^۵

۱- علامه مجلسی، پیشین، ص ۳۵۲.

۲- همان، ص ۳۳۶.

۳- همان.

۴- به عنوان نمونه می‌توان به کتاب «ضقة المهدی» از حافظ ابونعیم اصفهانی و کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» از گنجی شافعی و کتاب «البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان» از ملاعلی متقی و کتاب «اخبار المهدی» از عبادین یعقوب رواجتی و کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی» از جلال الدین سیوطی و کتاب «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» از ابن حجر و... اشاره کرد.

۵- در این رابطه می‌توان به آیه ۵۴ سوره مائده، ۱۰۵ سوره انبیاء، ۵ سوره قصص، ۵۵ سوره نور مراجعه کرد.

به همین دلیل در تاریخ می‌بینیم حدود صد و پنجاه سال پیش از ولادت حضرت مهدی (آغاز خلافت عباسیان) کسانی ادعا می‌کرده‌اند که همان مهدی موعود مورد نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند و این امر به علت شیوع مسأله «مهدی موعود» در آن زمان بود، به گونه‌ای که همه فرقه‌های مسلمان به اصل مسأله مهدی موعود معتقد بودند.^۱

ما در اینجا به پاره‌ای از روایات و نیز دیدگاه برخی از علمای اهل سنت درباره حضرت مهدی موعود و آینده بشریت اشاره می‌کنیم:

۱- ابن صبّاع از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لو لم یبق من الدهر الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یتبع فیہ رجلاً من امتی و من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی یملا الأرض قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً»^۲ یعنی: اگر باقی نمانده باشد از عمر دنیا جز یک روز، خداوند آن روز را طولانی کند تا این که مردی را از امت و خاندانم که همتام من است مبعوث نماید تا زمین را پر از عدل و داد نماید همچنان که از ظلم و جور پر شده بود.

۲- ابن جوزی گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می‌کند که اسمش مانند من باشد. زمین را پر از عدل کند چنان که از ظلم پر شده بود.»^۳

سپس ابن جوزی می‌گوید این شخص همان مهدی موعود است و این حدیث مشهور است.^۳
۳- ابن ابی الحدید می‌نویسد:

«قد وقع اتفاق الفرق من المسلمین اجمعین علی ان الدنیا و التکلیف لاینقضی علیه»^۴

یعنی: تمام فرقه‌های مسلمین همگی اتفاق دارند بر این که دنیا و تکلیف دینی پایان نمی‌یابد مگر پس از این که حضرت مهدی (عج) ظهور کند.

۴- احمد حنبل، ابو داوود، ترمذی و ابن ماجه که از روایت، محدثان و علمای مشهور اهل سنت می‌باشند از رسول خدا نقل کرده‌اند که:

۱- رک: محمد رضا حکیمی، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، چاپخانه پرتو، چاپ اول.

۲- الفصول المهمه، ص ۳۱۲ به نقل از فضل الله، حضرت حجة ابن الحسن، انتشارات مفید، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷.

۳- تذکرة الخواص، ص ۲۰۴ به نقل از همان، ص ۱۴۷.

۴- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۵۳ به نقل از همان، ص ۱۴۸.

«لو لم يبق من الدهر الا يوم واحد لبعث الله من اهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت ظلماً»^۱
یعنی: اگر از عمر روزگار جز یک روز باقی نماند خداوند حتماً مردی را از خاندان من مبعوث کند
که زمین را پر از عدل و داد گرداند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده بود.

هـ. شیخ محمد صبان گوید:

اخبار رسیده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره خروج مهدی (عج) و این که او از خاندان آن حضرت
می باشد و زمین را پر از عدل و داد می کند به حد تواتر رسیده است.^۲

ع. ابن صباغ مالکی می نویسد:

ابو محمد حسن عسگری علیه السلام پسرش، حجت قائم و منتظر را برای دولت حقه به جای گذاشت و به
علت نامساعد بودن زمان و خوف سلطان، ولادت او را مخفی نگه داشته و امرش را مستور نموده
بود.^۳

۷- محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب خود - الیابان فی اخبار صاحب الزمان - می نویسد:

البتة مهدی موعود فرزند حسن عسگری بوده و او زنده و موجود و باقی است از وقت غیبتش
تا کنون، امتناعی در بقای او نیست به دلیل بقای عیسی و خضر و الیاس (ع).^۴

۸- حافظ ابو نعیم از ابن عمر روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مهدی موعود خروج می کند و بالای سرش، فرشته ای صدا می زند این مهدی خلیفه الله است، پس
از وی تبعیت کنید.^۵

۹- شیخ سلیمان بلخی از کتاب فرائد السبطين نقل می کند که رسول خدا فرمود:

خلفا و اوصیای من و حجت های بر مردم پس از من دوازده نفرند، اول آنها علی و آخرشان فرزندم
مهدی است و عیسی بن مریم نازل می شود و پشت سر مهدی نماز می خواند و زمین به نور
پروردگار روشن می شود و سلطه و حکومت او به مشرق و مغرب می رسد.^۶

۱۰- کمال الدین بن طلحه شافعی در کتاب خود «الذّر المنظم» می نویسد:

خدای تبارک و تعالی را خلیفه ای است که در آخر الزمان خروج می کند، در آن حال که زمین پر از
ظلم و جور شده باشد و او آن را پر از عدل و داد کند و اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند این خلیفه
که از فرزندان فاطمه زهرا است متولی امور گردد و او دارای بینی کشیده و باریک و چشمانش

۱- ینابیع المودة، ص ۴۳۲ به نقل از همان ص ۱۵۷.

۲- اسعاف الراغبین، ص ۱۵۲ به نقل از همان، ص ۱۴۷.

۳- الفصول المهمة، ص ۳۱۲ به نقل از همان، ص ۱۴۷.

۴- ینابیع المودة، ص ۴۷۱ به نقل از همان، ص ۱۵۲.

۵- همان، ص ۴۱۰ به نقل از همان، ص ۱۵۰.

۶- همان، ص ۴۴۷ به نقل از همان، ص ۱۴۹.

مشکی است و به گونه راست صورتش خالی است که ارباب حال آن را می‌شناسند، نامش محمد و قامتش متوسط و خوش صورت و خوش مو است و خداوند هر بدعتی را به وسیله او میرانده و هر سنتی را زنده می‌کند.^۱

جالب این است که در منابع و مدارک معتبر اهل تسنن مانند صحاح ششگانه - به استثنای صحیح نسائی که تنها روایات مربوط به احکام فقهی را جمع‌آوری کرده است - روایات مربوط به امام مهدی (عج) آمده است. شش محدث بزرگ اهل سنت - نویسندگان صحاح ششگانه - یعنی احمد حنبل، بخاری، مسلم، ابن ماجه، ابوداود و ترمذی روایات مهدی (عج) را از عمر بن خطاب، عبدالله مسعود، عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو عاص، انس بن مالک، ابوسعید خدری، ثوبان غلام عمرو، ام سلمه همسر گرامی پیامبر اکرم ﷺ و غیره نقل کرده‌اند.^۲

روایاتی که در منابع اهل سنت از پیامبر اکرم ﷺ، احادیث مهدی موعود را نقل کرده‌اند در حقیقت مجموع صحابه و تابعین می‌باشند که برخی از آنها به قرار زیر می‌باشند: علی رضی الله عنه، سلمان، ابوذر، عباس بن عبدالمطلب، عبدالرحمن بن عوف، عثمان بن عفان، زید بن ثابت، ابوهریره، حذیفه یمانی، ابویوب انصاری، زید بن ارقم، عمار یاسر، سعد بن مالک، عبدالله بن حارث، علقمة بن عبدالله، جارود منذر، عایشه، علی بن هلال و بسیاری دیگر که مجال ذکر آنها نیست.^۳



۱- همان، ص ۴۱۰ به نقل از همان ص ۱۵۰.

۲- علی دوانی، دانشمندان عامه و مهدی موعود، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳، صص ۱۴-۱۳.

۳- همان، صص ۲۱-۱۸.